



پدیدارشناسی نقش‌های جنسیتی زنان خانه‌دار در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی

ابراهیم اخلاسی*

احمد غیاثوند**

سیده حمیده حسینی***

چکیده

پیدایش تحولات در شبکه‌های اجتماعی مجازی، موجب پیدایش نقش‌های جنسیتی متمایز در میان زنان شده است. مصرف فضای مجازی، قرین با تکوین فرصت‌ها و تهدیدها برای زنان بوده است. هدف مطالعه، توصیف تجربه نقش‌های جنسیتی زنان خانه‌دار در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاوش درباره بسترهای گوناگون ناظر بر آن تجربه با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی است. سؤال اصلی عبارت است از: نقش‌های جنسیتی در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه تجربه می‌شود؟ زنان متأهل ۲۸ تا ۵۶ ساله شهر ری، انتخاب‌شده به صورت هدفمند و مبتنی بر معیارهای شمول، آگاهی‌دهندگان پژوهش بودند. داده‌یابی بر پایه بیست مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و کاوش در تجربیات با استخدام روش کلایزی صورت گرفت. پرسش پژوهش در قالب ۳ مضمون نهایی «زناشویی فراواقعی شده»، «همسری آنلاین» و «مادری نرم‌افزارانه عاطفت‌کیش» پاسخ داده شد. مضامین ده‌گانه اصلی مشتمل بر «استثمارشدگی خیره به فراواقعیت جنسی در سکوت»، «خیانت‌هراسی آنلاینی»، «سودای مانکن‌بودگی زن»، «اشتراک آگاهی جنسی و لذت زناشویی»، «تدبیر آنلاین منزل»، «سوژگی رؤیت‌پذیر»، «هم‌بودگی بیم، امید و بازاندیشی در زیست مجازی»، «حکمرانی مادری آنلاین»، احتضار مادری مألوف»، «مادر معلمی امدادگرانه» و «مادری هراسناک» بودند. مضامین مذکور وجوه سازنده تجربه نقش‌های جنسیتی در حوزه‌های زناشویی، همسری و مادری را بازنمایی می‌کنند. در بخش یافته‌ها، مضامین اصلی، با ارجاع به گزیده‌های مصاحبه‌ای متناظر با آن‌ها در حوزه‌های فوق مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه‌گیری مقاله ناظر بر ارائه صورت‌بندی تفسیری راجع به مسأله پژوهش با عطف نظر به پیشینه پژوهش، چارچوب مفهومی و یافته‌های تجربی در تجربی‌ترین وجه ممکن است.

کلیدواژه‌ها: نقش‌های جنسیتی، زنان، پدیدارشناسی، جامعه شبکه‌ای، فاوا، شبکه‌های اجتماعی مجازی

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) (نویسنده مسئول) eb.ekhiasi@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) ah.ghyasvand@gmail.com

*** دانش آموزخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

طرح مسئله

حدود نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند. زنان به واسطه نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی سهم بسزایی در توسعه و تحولات جامعه بر عهده دارند. در بین این نقش‌ها می‌توان نقش مادری، نقش همسری و نقش زناشویی را بیان کرد. ایفای این نقش‌ها و کیفیت انجام آن‌ها از سوی زنان بخش عمده‌ای از کارکرد افراد و نهادهای گوناگون را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مطالعات مختلف سیر تحول تغییر نقش اجتماعی زنان حسب متغیرهای گوناگون نظیر عوامل حقوقی (صیدی، ۱۳۸۵)، و گفتمان‌های روشنفکری (جلایی‌پور و اخلاصی، ۱۳۹۱) و سایر موارد دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در کلی‌ترین وجه ممکن، تأثیرات حاصل از طیف گسترده متغیرهای خُرد و کلان بر جامعه زنان را می‌توان ذیل عنوان «تغییر نقش‌های جنسیتی» مجتمع نمود. رسانه، اعم از معنای کلاسیک یا متأخر آن، نظیر رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی مجازی و امثالهم، از جمله مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در زیست‌جهان زنان، و هم‌چنین، در مناسبات فردی و اجتماعی آن‌ها هستند که نظر به گستره و نفوذ بلامنازعی که در این‌باره از خود نشان داده‌اند، تقریباً تصور عرصه مستقل از تأثیرات رسانه در دنیای زنانه را بدل به امر ناممکن نموده‌اند؛ به بیان دیگر، می‌توان گفت رسانه‌های جمعی یکی از منابع مهم تغییر هویت‌ها در جامعه امروزی، از جمله در عرصه زندگی زنان هستند و استفاده از آن‌ها متضمن آفرینش انواع جدید روابط اجتماعی و راه‌های تازه رابطه خود با دیگران است (مهرپو و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۱). به استناد نکته یادشده، اهمیت مطالعه حاضر از منظر نسبت میان نقش‌های جنسیتی و رسانه‌های اجتماعی به روشنی آشکار می‌گردد. مراد از نقش‌های جنسیتی، انتظارات ناظر بر زنانگی و مردانگی در جامعه مفروض، و ذیل مناسبات فرهنگی حاکم بر آن جامعه است. به موجب فرض مکنون در این مقاله، نقش‌های جنسیتی زنان خانه‌دار در ساحت‌های زناشویی، همسری و مادری، به واسطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی از سوی آن‌ها به صورت‌های گوناگون مراتب مختلفی از تغییر را تجربه کرده است؛ رسانه‌ها به طور همزمان، به واسطه شکل

۱ به منظور رعایت اختصار، در متن مقاله حتی‌الامکان از «فاوا» به جای ترکیب «فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی» استفاده شده است.

دادن به مسأله‌مندی‌ها، مضیقه‌ها و گشایش‌های جدید، نمودهای پدیداری متفاوتی از جنسیت را در حوزه تعاملات اجتماعی و سبک زندگی زنان، و نیز نوع مطالبات فرهنگی و سیاسی آن‌ها رقم زده‌اند. در این میان، از جمله واقعیت‌های قابل ذکر این است که در دوران معاصر که انواع گوناگونی از رسانه راه خود را در سطوح گوناگون زندگی اقشار مختلف گشوده است، گسترش نوع و میزان حضور رسانه در فضای خانواده، مسأله‌مند کردن پیوند خانواده با ابزار رسانه، نحوه قرارگیری رسانه در بافت پیچیده زندگی روزمره خانواده را به عرصه‌ای قابل مطالعه تبدیل کرده است (تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۶۸). متناسب با شرایط جدید، ایده رسانه‌ای شدن زندگی روزمره موضوع تفکر قرار می‌گیرد. رسانه‌ای شدن زندگی روزمره مشتمل بر فرایندهای تغییر حاصل از حضور رسانه در ساخت زندگی روزمره است که خود نیز متناسب با چشم‌اندازهای رسانه‌ای در طول زمان دچار تغییر می‌شود (Kaunt and Fast, 2014: 12). مقدمات و تعابیر فوق، تا حدود قابل ملاحظه‌ای نشان از تأثیر رسانه به‌مثابه نهاد اجتماعی و مصرف آن به‌عنوان یکی از کالاهای فرهنگی بر نقش‌های جنسیتی زنان دارد. در این میان، شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از فضاهای اجتماعی هستند که در کانون توجه کاربران شبکه‌های جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی در قامت رسانه‌های نوین، با فراهم کردن امکان دستیابی به انواع جدید برقراری ارتباط و به‌اشتراک‌گذاری محتوا در اینترنت برای کاربران فضای مجازی، و اصولاً برای کنشگران اجتماعی طیف کثیری از تحولات شگرف را در نقش‌های جنسیتی زنان پدید آورده‌اند.

گذار جهان از مرحله صنعتی و قرار گرفتن آن در عصر اطلاعات، استفاده از فاوا و شبکه‌های اجتماعی مجازی برخاسته از آن را به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بسیاری کنشگران اجتماعی تبدیل کرده است. با عطف نظر به گستردگی استفاده از فاوا، تقریباً امکان تصور مناسبات فردی، اجتماعی و نهادی مستقل از تأثیرات و اقتضائات برخاسته از آن را امری قریب به محال می‌نماید؛ با این حال لازم است یادآوری شود که حسب پارادایم‌های جدید مندرج در جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی، مناسبات تکوین‌یافته در جامعه شبکه‌ای را نمی‌توان صرفاً در موقعیت تأثیر یک‌سویه از فاوا مورد خوانش قرار داد. به بیان دیگر، ویژگی‌ها و مختصات

مناسبات دیجیتالی و برخط، منتج به بازتولید صورت‌بندی‌های زمینه‌مند از فاوا شده‌اند. تأکید بر دوسویگی فوق از باب امتناع از تقریر ساده‌شده از مسأله و همچنین اجتناب از گرفتار آمدن در کلیشه رایج، عاملیت یک‌سویه فاوا در نسبت با دیگر انواع متغیرهای خرد و کلان، از جمله نقش‌های جنسیتی زنان خانه‌دار، به‌مثابه رکن رکین نهاد خانواده در بستر جامعه ایرانی، بوده است. جامعه زنان در زمره کنشگران پرمصرف فاوا هستند که نظام آگاهی و نقش‌های جنسیتی‌شان ذیل مواجهه و دادوستد با فاوا و شبکه‌های اجتماعی مجازی صورت‌بندی به‌مراتب متفاوت و متمایز، در مقایسه با گذشته پیدا کرده است. با عطف نظر به مقدمات پیش‌گفته فوق، پژوهش حاضر می‌کوشد با مطالعه زنان خانه‌دار شهر ری ضمن پرداختن به وجوه سازنده تجربه زیسته آنان از مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی و همچنین، ارائه توصیف بستر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ذیربط با آن تجربه، برداشت‌های تفسیری زمینه‌مند در این‌باره را در اختیار قرار دهد.

مراتب گسترده‌ای از انتخاب شهر ری به‌عنوان مکان انجام مطالعه، متأثر از عقبه تاریخی، به‌ویژه مذهبی آن بوده است. تراث مذهبی مندرج در شهر ری، به‌ویژه مقبره حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، و مزار برخی از عرفا، فقها، و محدثان نامدار شیعی در آن دیار، در دینی‌شدن وجه گسترده‌ای از زیست‌جهان و نظام آگاهی کنشگران اجتماعی ساکن شهر ری، و از جمله زنان خانه‌دار، و نیز بازتولید بعدی آن در قالب فرایند جامعه‌پذیری نسلی ایفای نقش کرده است.

حسب پیش‌فرض، و به‌موجب برداشت‌های منتج از مرور ادبیات نظری و مطالعات تجربی ناظر بر نسبت کیهان‌شناسی دینی، و اصولاً فهم دین‌مدارانه از انسان، هستی و معرفت از یک‌سو، و مصرف فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، تلقی نویسندگان مقاله دائر بر این امر بوده است که طوفان تغییرات حاصل از جهان رسانه‌ای شده شهر ری را نیز درنوردیده است؛ بدین‌معنا که مصرف رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی در غالب موارد، موجد تغییر و دگردیسی‌های قابل ملاحظه انگاره‌های جنسیتی برخاسته از نظام دانایی دینی، و همچنین، مفهوم زنانگی، به‌مثابه برساخته اجتماعی و تاریخی در میان خانه‌دار ساکن شهر ری شده است. در این میان، اگرچه از باب تحدید هدف مقاله، پرداختن به صورت‌بندی جنسیتی زنان خانه‌دار ساکن

شهر ری در امتزاج با شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌عنوان مسأله اصلی در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است، اما مقایسه و مقابله وجه امروزی کلیشه‌ها و انگاره‌های جنسیتی زنان ساکن شهر ری با صورت‌بندی پیشین تاریخی آن، در حکم دستور پژوهشی جداگانه دیگر، امکان بازنمایی عمق، شدت و گستره تغییرات مندرج در قلمرو جنسیت را به نحو مناسب‌تری فراهم خواهد کرد. با توجه به مجموع مباحث یادشده در این بخش از مقاله، پرسش‌های اصلی پژوهش مطابق با تنسيق ذیل ارائه می‌شود.

۱. نقش جنسیتی مادری و اضلاع سازنده آن در جریان مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌وسیله زنان ۲۸-۵۶ ساله ساکن شهر ری چگونه تجربه می‌شود؟
۲. نقش جنسیتی همسری و اضلاع سازنده آن در جریان مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌وسیله زنان ۲۸-۵۶ ساله ساکن شهر ری چگونه تجربه می‌شود؟
۳. نقش جنسیتی زناشویی و اضلاع سازنده آن در جریان مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌وسیله زنان ۲۸-۵۶ ساله ساکن شهر ری چگونه تجربه می‌شود؟

پیشینه پژوهش

جستجوی پژوهش‌های قبلی مرتبط با موضوع، و غور در وجوه مفهومی و یافته‌ای آن‌ها نشان می‌دهد پژوهشگران مختلف به مطالعه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی در نسبت با متغیرهای چندگانه پرداخته‌اند؛ از منظر ملاحظات روش‌شناختی، غالب پژوهش‌های در دسترس، مبتنی بر شیوه‌های کمی و پیمایشی به‌انجام رسیده‌اند؛ در محدود مطالعاتی نیز که در آن‌ها رویکردهای کیفی مورد توجه واقع شده است، غنای تفسیری و تحلیلی لازم کمتر مشاهده می‌گردد. اهم یافته‌های قابل احصاء در مطالعات پیشین، با رعایت تقدم و تأخر زمانی انجام مطالعات، طی بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۱ مطابق با شرح ذیل به صورت موجز و فشرده احصاء می‌گردد.

تأثیر دوگانه و متضاد رسانه‌ها در تثبیت و تضعیف کلیشه‌های جنسیتی مردسالار، به‌مثابه کارکرد و کژکارکردهای آن‌ها در ساحت ورزش بانوان (جوانی و دیگران، ۱۴۰۱)؛ تأثیرگذاری

مصرف رسانه تلویزیون و ماهواره، و همچنین اعتماد به آن دو بر میزان انتظارات نقش جنسیتی (بهشتی و دیگران، ۱۴۰۰)؛ بازتولید و تقویت ایدئولوژی غالب جوامع پیرامون فرایند بیولوژیک قاعدگی زنان به وسیله اکثر رسانه‌ها (زارع و دیگران، ۱۳۹۹)؛ تحقق هویت جهانی در بستر پلتوفرم اینستاگرام، با میانجی‌گری تکنیکی لاتور (بهار و بیژنی، ۱۳۹۸)؛ تأثیرات بین‌فرهنگی قومی، هویت قومی و قوم‌محوری به‌منزله کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان‌فرهنگی قومی (زندیه و دیگران، ۱۳۹۸)؛ رابطه معنادار معکوس میان رسانه‌ای شدن زندگی روزمره با سلامت خانواده (تبریزی، ۱۳۹۸)؛ بهتر بودن کیفیت زندگی زنان غیرکاربر شبکه‌های اجتماعی در مقایسه با کیفیت زنان کاربر شبکه‌های اجتماعی حسب مؤلفه‌های ناظر بر تغییرات درد، تغییرات اختلال نقش، تغییرات خستگی، توانایی حل مسئله، کنترل رفتار و نقش‌ها (خان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸). چالش جدی پیش‌روی فرهنگ مردسالاری به‌دنبال گسترش و پیشرفت‌های صورت‌گرفته در فاوا، تلاش زنان به منظور رؤیت‌پذیر کردن وضعیت ستم‌دیدگی به‌عنوان دغدغه اصلی آن‌ها و در نهایت، ناتوانی رسانه‌ها از معرفی راهکار در این‌باره در عین ارائه تعریف نوین از زنانگی (محمودی و دیگران، ۱۳۹۷)؛ کارکردهای مهم استفاده از تکنولوژی نوین ارتباطی در کنار آسیب‌های اجتماعی جدی حاصل از آن، و همچنین، کسب و کار اینترنتی و تغییر کارکردهای خانواده به‌ترتیب، به‌عنوان دو مصداق مهم از کارکردهای مفید و آسیب‌های اجتماعی در این‌باره در قالب ضعیف‌شدن پیوند خویشاوندی در خانواده، عدم پابندی زوجین به تعهدات زناشویی، سردی یا بی‌میلی رابطه بین زن و شوهر در کمبود فضای تبادل احساسات و افکار، گرایش زوجین به انزوا، نبود اعتماد و سوءظن در زناشویی (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۶)؛ تفاوت معنادار میان هویت جنسیتی نسل دختران و نسل مادران متأثر از مصرف رسانه‌های نوین ذیل بازاندیشی‌های هویتی در میان دختران، و بروز اختلال در برخورداری آن‌ها از هویت جنسیتی پایدار در آینده (کنعانی و دیگران، ۱۳۹۶)؛ وجود رابطه معکوس میان گرایش به ارزش‌های خانوادگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام، و همچنین، رابطه معکوس معنادار میان استفاده از تلگرام و میزان پابندی دینی نوجوانان (دارابی و کلاشلو،

(۱۳۹۵). تغییر انگاره ذهنی جوانان از ازدواج، متأثر از استفاده از ماهواره (بروجردی علوی و شمسی، ۱۳۹۴).

وجه افتراق و ممیز پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های قبلی مرتبط با موضوع، اولاً، اجتناب از اتخاذ رویکرد آسیب‌شناختی در خصوص مواجهه با شبکه‌های مجازی؛ ثانیاً، بهره‌گیری از روش کیفی با غنای تفسیری لازم در خصوص برساخت نقش‌های جنسیتی مادری، همسری و زناشویی در بستر مناسبات و لوازم حاصل از مصرف شبکه مجازی، با تأکید بر عاملیت کنشگران، و حساسیت نظری معطوف به انگاره کنشگر-شبکه^۱، به‌منزله جدیدترین رویکرد نظری مندرج در جامعه‌شناسی تکنولوژی خواهد بود. به‌موجب رویکرد اخیر، از یک‌سو، بر خلاف رویکرد جبر تکنولوژیک، کنشگران اجتماعی مقهور فناوری تلقی نمی‌شوند، و از سوی دیگر، با وجود رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی تکنولوژی^۲، فناوری مولود و مدلول تأثرات اجتماعی انگاشته نخواهد شد. به‌طور متقابل، حسب دلالت‌های برخاسته از انگاره کنشگر-شبکه، کنشگران اجتماعی در مواجهه با انواع فناوری، و از جمله فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، بازنمایشانه عمل نموده و در جریان تعاملات اجتماعی، ضمن استخدام تفاسیر و تلقی‌های حاصل از موقعیت، به بازتعریف و معنابخشی به آن مبادرت می‌نمایند.

چارچوب مفهومی

جنسیت و نقش‌های جنسیتی: جنسیت به صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق می‌گردد. واژه «جنسیت» ناظر بر اجزای غیرفیزیولوژیکی جنس است که از نظر فرهنگی، برای مردان یا زنان مناسب تشخیص داده می‌شود و متضمن مجموعه انتظارات از مرد و زن نوعی در موقعیت‌های معین است. به بیان دیگر، جنسیت، ناظر بر آن دسته از ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن‌ها را تعیین می‌کند. بروز تحولات مهم و تغییرات اساسی در نقش‌های جنسیتی و دگردیسی‌های حداکثری در سبک زندگی زنان یکی از وجوه ممیز خانواده معاصر را در مقایسه با گذشته تاریخی آن تشکیل می‌دهد. نقش‌های جنسیتی از طریق جامعه‌پذیری به

1 Agent-Network Theory (ANT)

2 Social Construction of Technology (SCOT)

افراد آموخته می‌شود. در این میان، همسالان، معلمان، فرهنگ، رسانه‌های جمعی، نقش محوری را در جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کنند. در گذشته، به موجب ملاحظات معطوف به جامعه‌پذیری جنسیتی مردسالارانه حاکم بر اکثر جوامع، زنان به‌عنوان کنشگران مطیع و محصور در حوزه خصوصی بازنشاسایی می‌شدند. پاسونز در بحث از نقش، در معنای جامعه‌شناختی کلمه، تفکیک نقش جنسیتی در خانواده را مورد تأکید قرار می‌دهد و آن را موجد حفظ نهاد خانواده قلمداد می‌کند. پارادایم‌های کارکردگرایی، تعامل‌گرایی نمادین، مارکسیستی و فمینیستی، هر کدام از نقطه‌نظر مشخص به تعلیل و تحلیل مقوله نقش‌های جنسیتی و سایر مقولات زیربط با آن پرداخته‌اند (Linsey, 2015). از منظر کارکردی، تنظیم چارچوب زمانی خانواده با اتکا به رسانه، ارائه موضوع گفتگو، اعمال کنترل در خانواده و پیوند یا جدایی اعضای خانواده از جمله مواردی هستند که به‌منزله مهم‌ترین کارکردهای رسانه در ساخت‌دهی به زندگی روزمره برشمرده شده‌اند (Lull, 1980). همچنین حسب مواضع پارادایم تفسیری و نمادین، رسانه‌ها به‌عنوان انعکاس‌دهنده آرمان فرهنگی هر جنس معرفی شده‌اند (Goffman, 1979). از این منظر، بازنمایی صورت‌گرفته در رسانه‌ها اگرچه لزوماً نشان‌دهنده تصویر واقعی مردان و زنان نیستند، اما مزیت‌های خاص خود را نیز دارند؛ ابهام‌زدایی از مناسبات جنسیتی، ارائه تصویر واضح و قابل مقایسه با تصویر واقعی، تصویرسازی آشکار از ویژگی‌های محیط اجتماعی که نقش‌های جنسیتی در آن زمینه شکل می‌گیرد و سرانجام، امکان‌پذیرساختن مشاهده هر امر متصور برخلاف دنیای واقعی از جمله آن مزیت‌ها هستند. در پارادایم مارکسیستی ابتدای انگاره رایج از جنسیت بر منافع طبقه مسلط که ایدئولوژی به توجیه طبیعی بودن و ضرورت آن می‌پردازد، مورد تأکید قرار می‌گیرد. پارادایم فمینیستی، در عین تکثرات درون‌پارادایمی قابل مشاهده در آن، جنسیت را بسان برساخته‌ای تاریخی، فرهنگی و سیاسی خوانش می‌کند که حاصل مناسبات مندرج در سرمایه‌داری یا برآمده از کیفیت فیزیولوژیک بدن زنانه و مردانه است.

نظریه نشر نوآوری: دال مرکزی مفهوم اخیر، مندرج در ذیل نظریه‌پردازی اورت راجرز^۱ عوامل ناظر بر اشاعه نوآوری را مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس، ویژگی‌های ادراک‌شده

1 Everett M. Rogers

نوآوری، سنخ‌های تصمیم‌های مرتبط با نوآوری، کانال‌های ارتباطی شامل رسانه‌های جمعی و رسانه‌های بین‌فردی، و ماهیت نظام اجتماعی میزان نوآوری را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند (Rogers, 1995: 207). مزید بر آن، ابعاد مرتبط با نوآوری نظیر مزیت نسبی، سازگاری، پیچیدگی، و آزمون‌پذیری، در کنار متغیرهای اجتماعی، همچون هنجارهای نظام اجتماعی و تحمل نظام اجتماعی نسبت به کجروی، میزان نوآوری را از خود متأثر می‌سازند (عبادالهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۱). در این میان، سهولت استفاده و سودمندی ادراک‌شده را به‌ترتیب، به‌مثابه میزان باور فرد به میزان سهولت استفاده از فناوری، و درجه اعتقاد به مفید بودن میزان بهره‌مندی از یک سیستم مشخص در جهت افزایش سطح عملکردی تعریف کرده‌اند (Davis, 1989; Vankatesh et al, 2003). دو متغیر یادشده میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی را از خود متأثر می‌سازند.

جامعه شبکه‌ای: جامعه شبکه‌ای جامعه‌ای است که موفقیت عملی آن در پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات و کاربرد فاوا است که قابلیت گسترش به تمام گوشه‌وکنار جهان را دارد (ظهیری، ۱۳۹۷: ۴۳۱). از نظر کاستلز، در جامعه شبکه‌ای، طبیعت به جای اینکه موضوع انقیاد باشد، در هیئت خاص فرهنگی احیاء و خلق می‌شود (پولادی، ۱۳۸۲: ۳۹). وی در صورت‌بندی خود از جامعه شبکه‌ای، به طرح مفهوم «فرهنگ مجاز واقعی» می‌پردازد. حسب مفهوم اخیر، در پارادایم اطلاعاتی صورت‌بندی‌های زمانی و مکانی که تا پیش از این نقش حیاتی را در معنای هر فرهنگ و تکامل متفاوت آن‌ها داشتند، جای خود را به فرهنگ مجاز واقعی، به‌مثابه فرهنگ جدید و به معنای کنارگذاری مکان‌ها و نابودی زمان به دست فضای جریان‌ها و زمان بی‌زمان داده است (مددپور، ۱۳۸۳: ۳۵).

سه‌گانه علم- تکنولوژی، نوسازی و سنت: علم و تکنولوژی نسبت به فرهنگ‌های سنتی یا فرهنگ‌های نشأت‌گرفته از دوران ماقبل صنعتی، به‌منزله مجموعه‌های بیگانه تلقی می‌شوند، اما در عین حال، آن دو خود را به‌منزله نظام‌هایی تثبیت کرده‌اند که فرهنگ موجود ناگزیر از به‌حساب آوردنشان است. از آنجایی که علم و تکنولوژی قادر نیستند در مجموعه‌های فرهنگی سنتی جای بگیرند، نوعی گسیختگی ویرانگر را از طریق تأثیر مستقیم روی نظام

بازنمایی‌ها، تأثیر غیرمستقیم محیط برآمده از تکنولوژی به‌عنوان دست‌ساخته انسان و سرانجام، پذیرش فزاینده طرح‌ها و برنامه‌های علمی و تکنولوژیک آینده‌نگر و برقراری شکل متناظری از زمانمندی فراهم می‌آورند (لادریز، ۱۳۸۰: ۹۳). دانیل لرنر از همین منظر، رسانه‌های جمعی را - به‌عنوان نمود آشکار فناوری - به‌مثابه موتور دگرگونی و موجد تحرک روانی می‌داند که می‌توانند به نوسازی یا بیگانگی عاطفی در جامعه منتهی گردند. شرایط بیگانگی عاطفی، به‌واسطه فقدان قدرت سازگاری با محیط در وضعیت‌های مختلف و متغیر می‌تواند منجر به بحران شود. بدین‌سان، رسانه‌های جمعی از یک‌سو، ذیل برانگیختن تخیل، در حکم آموزش‌دهنده درک وضعیت‌های مختلف بر افراد پدیدار می‌شوند و از سوی دیگر، در جوامع سنتی، به‌واسطه ایجاد تجارب جدید اجماع‌ناپذیر که در آن‌ها مشارکت اجتماعی لازم وجود ندارد، زمینه بیگانگی عاطفی را فراهم می‌کنند (روشه، ۱۳۸۰: ۱۸۰). لرنر در مجموع، رسانه‌ها را پیام‌آور ارزش‌ها، ایده‌های جدید، و فاصله‌گیری از ارزش‌های سنتی جامعه قلمداد می‌کند، زیرا «بنا بر یک تعریف، سنت‌ها همیشه نگرهبانانی دارند که به حقیقت آیین‌های سنتی دسترسی داشته و رازدار اطلاعاتی هستند که افراد عامی فاقد آنند» (گیدنز، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۶؛ به‌نقل از غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴: ۲۱۴). رسانه‌ها از طریق ایجاد دسترسی‌های توده‌ای به حجم عظیم محتوای دیداری، شنیداری و متنی و جوه رازآلود مندرج در سنت را رازدایی می‌نمایند و بدین‌ترتیب، با گسترش افق‌ها و ارتقاء انتظارات و توقعات، منجر به نوسازی، آن را دچار چالش ساختن، و برساخت تقاضاهای اجتماعی در جهت جایگزین شرایط زندگی بهتر را موجب می‌گردند.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی: فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مجموعه‌ای از فناوری‌هاست که برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها به‌کار می‌روند. تکنولوژی‌های ارتباطی حسب نوع ساختار فنی خود توانسته‌اند در تمام عرصه‌های زندگی انسان تأثیرگذار باشند. اینترنت، ماهواره و موبایل از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب ارتباطی-اطلاعاتی هستند که ارتباطات را معنایی تازه بخشیده و موجب دگرگونی در تعاملات اجتماعی شده‌اند (دل‌آور و احمدی، ۱۳۹۱: ۲). همچنین، فناوری‌های نوین با دگرگونی در مفاهیم زمان و مکان، تغییر در

اشکال نوین ارتباطی، و ایجاد مراجع جدید هویت، موجب پیدایش ذهنیت‌های ناپایدار، و هویت‌های جدید شده است. در جوامع امروزی بر اثر تحولات ساختاری ناشی از این انقلاب ذهنیت و هویت ناپایدار شکل می‌گیرد و برداشت انسان‌ها از مفاهیم مختلف زندگی دگرگون می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷). به‌علاوه، فاوا دگرگونی بنیادینی را در ساختار تعاملات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. پیامد این امر، شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که امکان ارتباطات انسانی را فراتر از زمان و مکان گسترش می‌دهد و سبب به‌وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌گردد (اخوان ملایری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵). شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌واسطه توانشان در ایجاد ارتباطات سریع همزمان و ناهمزمان و دسترس‌پذیر کردن حجم انبوهی از اطلاعات، نفوذ گسترده‌ای در زیست‌جهان‌های کاربران پیدا کرده‌اند. ابعاد این تأثیرگذاری امروزه وسعتی جهان‌شمول دارد، به‌طوری که از هر ده کاربر اینترنت در جهان، شش نفر از شبکه‌های اجتماعی بازدید می‌کنند. در چند سال اخیر با ظهور شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه دسترسی به فضاهای مجازی آسان‌تر شده است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۰). اهم ویژگی‌های رسانه‌های نوین در شکل (۱) به‌تصویر کشیده شده است.



شکل (۱): ویژگی‌های رسانه‌های جدید (برگرفته از عطاران و برزویی، ۱۳۹۷)

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شده است. بیست نفر از زنان ساکن شهر ری با ده سال سابقه تأهل و نیز برخوردار از تجربه زیسته استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، به‌عنوان آگاهی‌دهندگان پژوهش، به‌صورت هدفمند انتخاب، و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. کلیت محتوایی حاکم بر مصاحبه‌ها ناظر بر توصیف و تعلیل وجوه گوناگون تجربه جنسیت در مناسبات فضای مجازی و مصرف فاوا با محوریت شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، واتساپ و تلگرام، فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از مصرف شبکه‌های اجتماعی، و همچنین توصیفات معطوف به بستر شکل‌گیری تجربه جنسیت در مواجهه با فناوری‌های فوق بود. مصاحبه‌ها بین چهل تا یکصد و هشتاد دقیقه به طول انجامیدند. تأکید خاص بر مطالعه تجربه نقش‌های جنسیتی در بستر شبکه‌های اجتماعی واتساپ، تلگرام، اینستاگرام متأثر از استفاده فراوان از آن‌ها در میان کاربران و همچنین، اقبال زیاد به آن شبکه‌ها از سوی زنان بوده است. در پی اتمام فرایند داده‌بایی پژوهش، نویسندگان مقاله، کاوش در تجربه زیسته شرکت‌کنندگان در مطالعه را ذیل عنوان پدیدارشناسی توصیفی، و در قالب کاربست تحلیل کلایزی^۱ به‌مثابه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تحلیل داده‌های مصاحبه‌ای انجام داده‌اند. مراحل مشخص مورد توجه نویسندگان مقاله در مقام کاربست عملیاتی و عینی روش تحلیل کلایزی، مشتمل بر موارد پیش‌رو بود؛ (۱) بازخوانی اظهارات مکتوب شرکت‌کنندگان در مطالعه؛ (۲) شناسایی گفته‌ها و نکات اساسی مرتبط با تجربه مصرف فاوا با رجوع مکرر به متن مصاحبه‌ها؛ در این پژوهش، ابتدا توصیف زنان شرکت‌کننده طی چند مرتبه متوالی، و با هدف رسیدن به درکی از کل اظهارات آنان درباره تجربه زیسته استفاده از شبکه‌های مجازی خوانش گردید. (۳) شناسایی و فهم معانی مستفاد از اظهارات مکتوب مشارکت‌کنندگان درباره تجربه مورد مطالعه؛ بدین ترتیب، معانی مورد نظر زنان مورد مطالعه درباره بسترها و ابعاد گوناگون تجربه استفاده از شبکه‌های مجازی از خلال عبارات و تعابیر مهم مورد استفاده آن‌ها

استخراج و تدوین گردید. (۴) شناسایی وخوشه‌بندی درون‌مایه‌ها؛ در این مرحله، (۵) ارائه توصیف کامل و جامع ناظر بر مصرف فاوا بر پایه مضامین احصاء‌شده در مراحل قبلی؛ به‌بیان انضمامی‌تر، معانی تدوین‌شده ناظر به استفاده زنان از شبکه‌های مجازی به صورت مضامین چندگانه سازماندهی، و برای هر کدام از مضامین کشف‌شده توصیف مفصلی نوشته شد. (۶) موجزسازی و فشرده‌سازی توصیف کامل از تجربه زیسته مورد مطالعه به بیان کوتاه معطوف به جنبه‌های مرتبط با ساختار تجربه زیسته مورد مطالعه؛ (۷) به‌اشتراک‌گذاری توصیف فشرده مربوط به جنبه‌های مرتبط با تجربه زیسته مصرف فاوا با پنج نفر از زنان متأهل خانه‌دار آگاهی‌دهنده در پژوهش، با هدف اطمینان از منعکس بودن تجربه زیسته مواجهه با فاوا در یافته‌های مطالعه؛ به‌طور مشخص، در این مرحله، ارزشیابی نتایج به‌وسیله زنان شرکت‌کننده در مطالعه با طرح این پرسش صورت گرفت که آیا یافته‌های به‌دست‌آمده مشابه با تجربیات آنان در استفاده از شبکه‌های مجازی بوده است یا خیر. در مرحله اخیر، متعاقب دریافت بازخوردها، پاره‌ای جرح‌وتعدیل‌ها در فرایند تحلیل صورت گرفت. در مطالعه پیش‌روی، اعتبارپذیری داده‌ها با استعانت از راهبردهایی نظیر همراهی طولانی‌مدت با آگاهی‌دهندگان مطالعه، کنترل از سوی اعضا و همچنین گفت‌وگو با هم‌تایان انجام گردید. قابلیت اطمینان به پژوهش در قالب تشریح جزئیات مرتبط با چگونگی گردآوری داده‌ها و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه نویسندگان مقاله قرار گرفت.

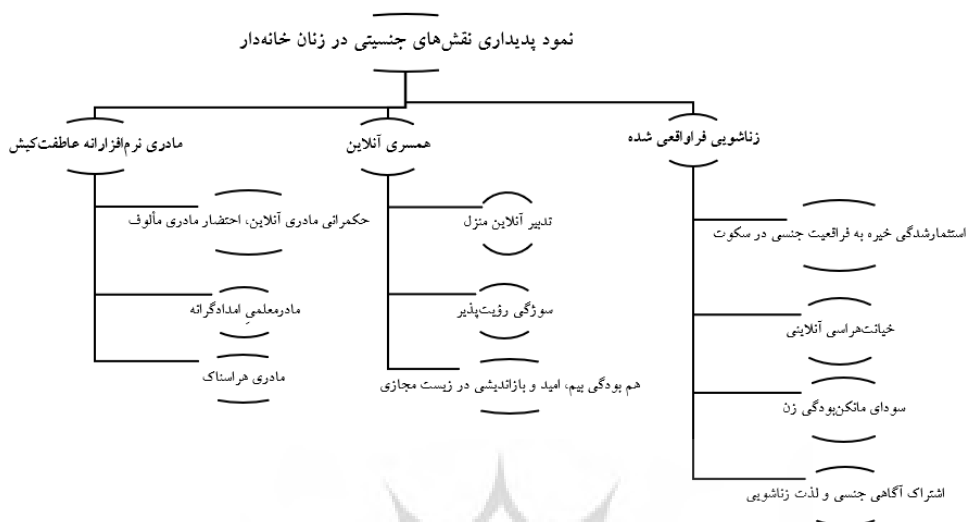
جدول (۱): مشخصات آگاهی‌دهندگان پژوهش و اطلاعات ناظر بر مصاحبه‌ها

ردیف	نام	سن	تحصیلات	تعداد فرزندان	تاریخ مصاحبه	مدت مصاحبه (دقیقه)	زمان مصاحبه
۱	شیلا	۴۱	لیسانس	۳	۹۹/۰۴/۱۹	۸۰	۹:۰۰
۲	سمانه	۳۵	دیپلم	۲	۹۹/۰۴/۲۶	۴۰	۹:۰۰
۳	ساجده	۳۸	فوق دیپلم	۲	۹۹/۰۵/۴	۶۰	۱۱:۰۰
۴	سمیرا	۳۲	فوق دیپلم	۱	۹۹/۰۵/۰۷	۴۰	۱۲:۰۰
۵	آزاده	۳۵	لیسانس	۱	۹۹/۰۵/۰۷	۱۱۰	۱۶:۰۰

ردیف	نام	سن	تحصیلات	تعداد فرزندان	تاریخ مصاحبه	مدت مصاحبه (دقیقه)	زمان مصاحبه
۶	مارال	۳۷	لیسانس	۲	۹۹/۰۵/۲۳	۱۸۰	۱۰:۰۰
۷	شیوا	۴۷	دیپلم	۲	۹۹/۰۶/۰۱	۸۰	۱۱:۰۰
۸	زهرا	۴۶	ابتدایی	۳	۹۹/۰۶/۲۰	۹۰	۱۲:۰۰
۹	فاطمه	۳۴	فوق دیپلم	۲	۹۹/۰۶/۰۵	۱۴۰	۱۵:۰۰
۱۰	آرزو	۴۳	لیسانس	۱	۹۹/۰۶/۱۳	۱۲۰	۱۲:۰۰
۱۱	یکتا	۲۸	لیسانس	۱	۹۹/۰۶/۳۰	۱۶۰	۲۳:۳۰
۱۲	لعیا	۴۵	دیپلم	۲	۹۹/۰۷/۱۰	۱۱۰	۸:۰۰
۱۳	مریم	۳۵	لیسانس	۱	۹۹/۰۷/۱۸	۱۲۰	۱۵:۳۰
۱۴	سارا	۴۲	لیسانس	۳	۹۹/۰۷/۱۴	۱۵۰	۸:۳۰
۱۵	مونا	۵۶	لیسانس	۲	۹۹/۰۷/۲۹	۱۲۰	۱۵:۳۰
۱۶	مهربانو	۴۷	لیسانس	۲	۹۹/۰۷/۲۴	۱۸۰	۱۶:۰۰
۱۷	لاله	۴۳	لیسانس	۱	۹۹/۰۸/۰۱	۱۲۰	۱۴:۲۵
۱۸	معصومه	۳۵	لیسانس	۲	۹۹/۰۸/۱۰	۱۲۰	۱۴:۰۲
۱۹	شبنم	۳۵	دیپلم	۲	۹۹/۰۸/۱۵	۱۱۵	۱۲:۰۵
۲۰	آتوسا	۳۵	لیسانس	۱	۹۹/۰۸/۱۷	۱۴۰	۱۴:۰۰

یافته‌های پژوهش

حسب مرور چندگانه داده‌ها، کدگذاری چندمرحله‌ای و مضمون‌پردازی آن‌ها در سطوح مختلف از انتزاع، تجربه زنان مورد مطالعه در مواجهه با فاوا در قالب ۳ مضمون نهایی و ۱۰ مضمون اصلی بازنشاسایی گردید.



شکل (۲): مضمون‌پردازی مؤلفه‌های ناظر بر تجربه نقش‌های جنسیتی زنان در مواجهه با شبکه‌های

مجازی

زناشویی فراواقعی شده

مضمون نهایی «زناشویی فراواقعی شده» از چهار مضمون اصلی «استثمارشدگی خیره به فراواقعیت جنسی در سکوت»، «خیانت‌هراسی آنلاینی»، «سودای مانکن‌بودگی»، و «اشتراک آگاهی جنسی و لذت زناشویی» تشکیل شده است. مضمون «زناشویی فراواقعی شده» ناظر به موقعیتی است که طی آن بنیاد و اساس پدیده زناشویی به مثابه یک تجربه مجسم تحت تأثیر تصویرسازی‌های جهان رسانه و مناسبات جامعه شبکه‌ای دچار تغییر، و مؤلفه‌ها و ابعاد سازنده آن به شیوه‌ای کاملاً متفاوت با گذشته، و در ربط وثیق با اهداف و باورهای جدید از سوی کنشگران اجتماعی بازسازی می‌شود.

استثمارشدگی خیره به فراواقعیت جنسی در سکوت: ملاحظه هماهنگ و متوازن نیازها و خواسته‌های زوجین به وسیله هر کدام از طرفین رابطه، از جمله مقدمات ضروری در جریان برقراری مناسبات جنسی دوسویه، سالم و طبیعی محسوب می‌شود. مواجهه زنان و مردان با شبکه‌های اجتماعی، مصرف محتوای بصری و نوشتاری ناظر بر مسائل، رفتارها، و خواسته‌های

جنسی، و هرزه‌بینی رایج در شبکه‌های اجتماعی، موجد برساخت سازه‌هایی همچون توقعات و مطالبه‌گری نامتعارف، نارضایتی، تنوع‌طلبی، و مقایسه در حوزه روابط جنسی در میان آنان شده است. در این میان، تأثیرپذیری مردان از انگاره‌های بصری و متنی حاکم بر شبکه‌های اجتماعی، ضمن قرار دادن زنان در یک موقعیت فرودستانه و نابرابر در مناسبات جنسی، آنان را به ورود یک‌سویه و تحمیلی در برقراری روابط جنسی و اختیار نمودن سکوت در مقام برقراری آن مناسبات سوق می‌دهد. زنان مورد مطالعه در پژوهش حاضر، متأثر از ملاحظات فرهنگی و عرفی، غالباً، خود را به‌مثابه سوژه خدمت‌رسان، و عاری از عاملیت لازم در این‌باره خوانش نموده‌اند و بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های برساخت‌شده مردان را زمینه‌ساز بروز پرخاشگری، کاربست الفاظ نامناسب و تهدید به قطع رابطه جنسی از سوی مردان در نظر گرفته‌اند. زنان خانه‌دار با وجود مشغله‌ها و دغدغه‌های معطوف به وجوه مختلف تدبیر منزل، قادر به برآورده کردن مطالبات سیال و دائماً نوشونده جنسی مردان، که برساخت‌شدگی‌شان حاصل پرسه‌زنی‌های توقف‌ناپذیر مردان در شبکه‌های اجتماعی است، نیستند. بی‌توجهی یادشده ضمن تکوین چرخه معیوب نارضایتی دوسویه، زمینه‌ساز سردشدگی رابطه زناشویی، تنفر، انزجار، بی‌میلی، احساس بی‌لیاقتی یا طردشدگی جنسی، دلزدگی از ورود در رابطه، و پرخاشگری زنان می‌گردد. مجموع شرایط مذکور، خود، در نهایت بازتولید بی‌تفاوتی و بسط فزاینده رفتارهای نامناسب میان زوجین را به‌همراه می‌آورد. در این تجربه زنان اذعان داشتند که مردان، از یک‌سو، در پی احساس نیاز جنسی، و در بی‌توجهی به خواسته‌های همسر، وارد رابطه زناشویی با زنان می‌گردند؛ زنان نیز از دیگر سوی، به‌واسطه پیگیری مباحث و مسائل ناظر بر امر جنسی، ذیل آگاهی از بی‌توجهی مردان به خواسته‌ها و روحیات زنانه، در کنار دانش ضمنی از نوع مقایسه صورت‌گرفته میان آن‌ها و دیگر کنشگران جنسی فعال در تولیدات تصویری و بصری موجود در فضای مجازی، و همچنین، به‌واسطه اطلاع از ناتوانی خویش در همانندشدگی با سوژه‌های جنسی، نوعی رابطه جنسی یک‌سویه و عاری از هر گونه جاذبیت را تجربه می‌نمایند.

در گزیده زیر تصویرپردازی شوهر از بدن مطلوب زنانه از یک‌سو، بازتولید نیاز در زن در جهت همانندشدگی با وضعیت مطلوب مورد انتظار، تجربه تحقیرشدگی زن به واسطه ناتوانی در انطباق با ایده‌آل ترسیم‌شده، و در نهایت، فروهشتگی روانی وی روایت شده است.

گزیده (۱): شوهرم فیلم پورن نگاه می‌کنه؛ بازیگر این فیلم‌ها با ورزش و رژیم تیشون [رو] حفظ کردند؛ شوهرم همچین توقعی از منم داره، [به‌همین خاطر می‌گفتم] منم تییم [باید] مثل این زن‌ها باشه. همیشه استرس این چیزها رو داشتیم همین باعث شد خجالتی باشم تو رابطه جنسی؛ همش می‌گفتم چرا شوهرم ازم تعریف نمی‌کنه. اصلاً جذابیت جنسی برای من ایجاد نکرده تا من راغب باشم به رابطه جنسی، بلکه [همش] تحقیرم کرد (شیلا، ۴۱ ساله).

وجه گسترده‌ای از مناسبات جنسی مبتنی بر انگاره حقیرپنداری در زنان، زیاده‌طلبی تفرعانه و اشباع‌ناپذیر در مردان، به‌مثابه مدلول فراواقعیت‌های رسانه‌ای، در گزیده‌های زیر آورده شده است:

گزیده (۲): شوهرم از وقتی که تو اینستاگرام هست، فیلم پورن و انواع زنان [رو] می‌بینه از لحاظ جنسی حریص‌تر شده، بیشتر رابطه زناشویی می‌خواد؛ چقدر بهش جواب مثبت بدم کم میارم؛ نمیتونم بهش بگم دیگه؛ قبل از اینستاگرام اصلاً این‌طور رفتار جنسی‌ش نبود. از خودش و رابطه جنسی زده شدم این قدر خسته می‌شم از وظایف مادری، خانه‌داری که موقع خواب فقط می‌گم نزدیک نشه چون واقعاً خسته‌ام. همسرم بهم می‌گه چه مدل لباس زیر بپوشم، ولی کی حوصله داره (مریم، ۳۵ ساله).

خیانت‌هراسی آنلاینی: یکی از کارکردهای محوری زندگی مشترک وصول زوجین به آرامش و سکون ذیل مناسبات اعتماد و اطمینان متقابل است. بروز خدشه در اعتماد و صداقت در حکم پیش‌آگهی ناظر بر سستی بنیان خانواده، و در نهایت، گسست زوجین از یکدیگر، و اضمحلال نهاد خانواده خواهد بود. ورود شبکه‌های اجتماعی در گفتمان زندگی مشترک موجب برساخت مراتب گسترده‌ای از انگاره ترس و دلهره به‌واسطه احتمال ارتکاب خیانت‌های نوین مجازی از سوی مردان در میان زنان، و به تبع آن، اثرپذیری منفی سلامت روحی و روانی آنان شده است. مصرف توده‌ای، ارزان و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام با استفاده از نسل جدید تلفن‌های همراه هوشمند، ضمن خارج ساختن خیانت زناشویی از نموده‌های سنتی و پنهان آن، مصادیق آن را متنوع‌تر، و فراوانی آن را ارتقاء بخشیده است. در این

مطالعه، تقاضاهای ناظر بر دوستی و روابط خارج از مناسبات خانواده در فضای مجازی، گپ‌وگفت‌های جنسی با زنان، ازدیاد عشق‌های آنلاینی و پرسه‌زنی‌های مجازی، کنشگری آسان مردان در کانال‌های تلگرامی همچون ازدواج پاکان و صیغه موقت با حداکثر عاملیت، که تا پیش از تکوین شبکه‌های مجازی در صورت‌بندی فعلی آن، در هاله‌ای از پنهان‌کاری و شرم و حیا صورت می‌گرفت، به‌مثابه برخی از مهم‌ترین زمینه‌های مؤثر در تضعیف مناسبات اعتماد‌آمیز میان زوجین در فرایند مواجهه آنان با شبکه‌های اجتماعی برشمرده شده‌اند. همچنین، عاملیت و کنشگری مردان در شبکه‌های اجتماعی، وابستگی بیش از پیش زنان به همسرانشان را، به‌واسطه هژمونیک شدن انگاره ترس زنان از خیانت مردان، به همراه داشته است. کنترل و بازبینی (غالباً) پنهانی و نامحسوس گوشه‌های همراه مردان از سوی زنان، تعمیق بدبینی و شکاکیت در بین زنان از یک‌سو، در کنار خوش‌رفتاری محاسبه‌اندیشانه، و همراهی و همدلی به‌مراتب افزون‌تر زنان با مردان از سوی دیگر، به‌ترتیب، در حکم کارکردهای منفی و سازوکارهای زنانه، در مواجهه با انگاره خیانت‌هراسی آنلاینی قابل‌خوانش هستند.

گزیده (۳): شبکه‌های اجتماعی کار [رو] راحت کردن؛ این جور زن و مردها راحت همدیگر پیدا می‌کنند؛ توی اینستاگرام دخترهایی [هستند] که شماره می‌دارند واسه دوستی با عکس‌های خودشون، این زن‌ها خود شیطان هستند. همش زندگی‌م با ترس و استرس هست، انگار کارم شده اینکه زندگی‌م [رو] با چنگ و دندان نگه دارم. قدیما بهتر بود [چون] مردها رو ناموس هم غیرت داشتند (آتوسا، ۳۵ ساله).

در گزیده فوق، سهولت مراتب مختلف ارتباط شوهر با دیگری رقیب، به‌واسطه سهولت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی منتج به تحکیم انگاره‌های هراس و فروریختگی سلامت روان در زن شده است. همچنین در ادامه، سستی روابط زناشویی در حکم نهایی‌ترین نتیجه حاصل از اشتغال پرسه‌زنانه، غیرمسئولانه و بی‌قاعده مرد به فضای مجازی در نظر گرفته شده است:

شکاکیت زن به مرد، و در عین حال، سکوت‌گزینی تحمیلی وی به‌واسطه ارجحیت حفظ آبرو بر افشاگری، و در نهایت، تن دادن به معیارهای دوگانه و یک بام و دو هوا از مصادیق بارز استثمارشدگی زن و بهره‌کشی مردانه از او در مناسبات زناشویی فراواقعی شده محسوب می‌شود:

گزیده (۴): به همسر شک کردم و موردی که همسرم بهش پیام می‌داد رو پیدا کردم؛ بهش هم گفتم عین خیالش نیست. بعد از [استفاده از] این شبکه‌ها هر روز [وضعش] بدتر می‌شد و بیشتر پت می‌کنه. الانم به خاطر آبروم، به خاطر زندگیم، به خاطر پسرم چشم رو همه چیز پوشیدم. شوهرم چشمش به زن آرایش شده و مانتو جلو باز هست؛ ولی [نوبت] من [که می‌شه] نباید مانتو کوتاه یا جلو باز یا آستین کوتاه باشه؛ غیرتش واسه من [هست]، [اما] عشق و حالش برای زنان دیگه (مریم، ۳۵ ساله).

سودای مانکن‌بودگی زن: چهره با ویژگی‌های غیرکلامی مهم‌ترین نشانه در ارتباطات رودرو است. زیبایی ظاهری و داشتن تناسب اندام در سرتاسر جهان مورد توجه کنشگران اجتماعی قرار دارد، و همین امر، اضطراب و نارضایتی زنان از بدن را به یک پدیده و هنجار جهانی بدل کرده است. امروزه حسب استانداردهای مسلط زیبایی، تناسب و لاغری اندام، نظیر آنچه در شخصیت‌های کارتونی از قبیل باربی و سیندرلا یا زنان مانکنی مشاهده می‌شود، معیار رایج در ارزیابی زیبایی‌شناختی از زنان مدرن است که در رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی با گستردگی هر چه تمام‌تر، و در قالب کاربست شیوه‌های گوناگون، از جمله ورزش و پیاده‌روی، رقص، مداخلات پزشکی، استفاده از ماسک‌های گیاهی، و امثال آن برساخت می‌گردد. تلاش بی‌وقفه کنشگران اجتماعی، به‌ویژه زنان برای اکتساب این سنخ از زیبایی و انطباق حداکثری با وجوه گوناگون مندرج در آن، موجب اقبال فزاینده به جراحی‌های زیبایی و آرایشی، و همزمان، بازتولید انگاره نارضایتی از بدن در میان زنان شده است. در این میان، جراحی بینی و کامپوزیت دندان یا زیبایی‌های دهان و لثه بیشترین توجه کنشگران اجتماعی را به خود جلب کرده است، چه در شبکه‌های اجتماعی از کامپوزیت به‌مثابه نشانه زیبایی و داشتن لبخند زیبا تعبیر می‌شود. زیبایی در مناسبات حاکم بر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین، در حکم نوعی مصنوع، و برساخته آرایشی و پزشکی است که نموده‌های گوناگون آن از قابلیت انتخاب شدن به‌وسیله متقاضیان زیبایی برخوردار است؛ در این میان، تبلیغات و سوسه‌کننده زنان را به داشتن اندام مناسب و ایده‌آل ترغیب می‌کند، به‌وجهی که اقناع زنان به‌منظور مواجهه آنان با عوارض بعدی

حاصل از رویه‌های تهاجمی ناظر بر جراحی‌های زیبایی را با هدف ایجاد رضایت برای خود، جامعه و دیگران ناظر، از جمله همسر، رقم می‌زند.

گزیاده (۵): قبل از فضای مجازی هم به زیبایی اهمیت می‌دادم. الان بیشتر شده ژل لب تزریق کردم، آرایشم خیلی تغییر کرده، آگه پول باشه عمل می‌کنم؛ دوست دارم لاغر شم. عمل لیپو لیزر کنم چون می‌دونم چاقی برنمی‌گرده، حتی خواستم هزینه تحصیل [رو] برای این عمل بذارم. (یکتا، ۲۸ ساله).

سه‌گانه نارضایتی زنان از بدن، مقایسه مستدام خود با دیگری، تلاش برای ارتقاء اعتماد به نفس و بهبود خودپنداره مثبت از خویشتن در حداکثر وجه ممکن رویه‌های ناظر بر ضرورت حفظ و نگهداشت بدن، مطابق با ایده‌آل‌های مسلط را بازتولید می‌کنند.

گزیاده (۶): وقتی تصاویر زنانی که هیکل خوبی دارند [رو می‌بینم] از بدن خودم ناراضیم چون قدم کوتاه‌ست قدشون [رو که] می‌بینم، حسرت می‌خورم اعتماد به نفسم پایینه، چون قدم کوتاه‌ست، اگر ده سانت قدم بلند بود نیاز نبود این همه حواسم به تغذیه و هیکل باشه. (فاطمه، ۳۴ ساله).

زن، به‌مثابه موجودی که پسندشونده از سوی شوهر از جمله دیگر برساخت‌های رایج و هژمون در غالب بازنمایی‌های حاکم بر فضای رسانه و شبکه‌های اجتماعی است:

گزیاده (۷): همسرم خیلی ظاهر زیبا را دوست داره و با زبان نمی‌گه، [بلکه] با رفتارش متوجه شدم و همین باعث شد برم پیچ‌های مربوط به جراحی‌های زیبایی را دنبال کنم واسه زیبایی صورتم یا کامپوزیت دندان (زهره، ۴۷ ساله).

اشتراک آگاهی جنسی و لذت زناشویی: از دلایل اساسی ازدواج رفع نیاز جنسی و رضایت جنسی زوجین است. این امر، نیازمند آگاهی جنسی زوجین است. با توجه به گسترش روزافزون فاوا از جمله شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان به اطلاعات و موضوعات متنوع در آن می‌توان آگاهی‌های لازم را در زمینه امر جنسی به دست آورد. زنان خانه‌دار به‌واسطه فراغت حاصل از حضور در منزل، بیشترین میزان استفاده را از شبکه‌های اجتماعی دارند. زنان در جریان مواجهه با شبکه‌های اجتماعی، ضمن دنبال کردن صفحات و کانال‌های ناظر بر محتوا و تصاویر جنسی، و ارتقاء آگاهی‌های جنسی آنلاینی، رضایت جنسی همسران خود را کسب

می‌کنند. آگاهی جنسی آنلاین موجب عدم یکنواختی و تنوع در رابطه زناشویی و آموختن رفتارهای صحیح جنسی شده است. رضایت جنسی، بهبود عزت نفس جنسی، و رشد جنسی زوجین را به همراه داشته است. واکنش عاطفی به احساسات، افکار و رفتارهای جنسی و شناخت از خواسته‌های جنسی همسر از جمله مهم‌ترین پیامدهای حاصل از عزت نفس جنسی است که مصاحبه‌شوندگان به انحاء مختلف آن را بیان کرده‌اند. مطالب مربوط به دانستنی‌های زندگی مشترک در شبکه‌های اجتماعی موجب آشکار شدن حقایق جنسی، درک متقابل زوجین از تفاوت‌های فردی و جنسی یکدیگر، ارتقاء واقع‌بینی، و عدم افزایش نامعقول انتظارات جنسی آن‌ها از یکدیگر شده است. پیگیری مطالب جنسی در شبکه‌های اجتماعی زمینه‌ساز تفتن زنان به کمبودهای جنسی خود و همسرانشان، و تلاش در جهت رفع کاستی‌های موجود در این‌باره گردیده است. استیلای باورهای مذهبی در کنار دیگر باورهای نادرست عرفی در زمینه مسائل جنسی، زمینه بهره‌مندی زنان مورد مطالعه از خدمات مشاوره‌ای متخصصان امر جنسی^۱ در عالم واقع را از آن‌ها سلب کرده است؛ به‌طور متقابل، گشایش‌های حاصل از مواجهه زنان با شبکه‌های مجازی، و افزایش آگاهی جنسی آنلاین در معیت عنصر گمنامی، و در غیبت انگاره شرم و حیاء، مراتب گسترده‌ای از مضیقه فوق را برای آنان مرتفع ساخته است. در این میان، هر چند بهره‌مندی از برخی صفحات، کانال‌ها و گروه‌های مجازی جنسی نیازمند صرف هزینه مالی است، اما نبود محدودیت‌ها و محذوریت‌های حاصل از دیدار چهره‌به‌چهره، امکان مشاوره‌گیری و طرح سؤالات و مشکلات جنسی را در حداکثر وجه ممکن برای زنان مورد مطالعه فراهم کرده است. بهداشت جنسی، عفت جنسی، اخلاق جنسی، رضایت جنسی، و نیز رفتار مناسب جنسی در زمره دال‌های مرکزی نظام آگاهی جنسی آنلاین هستند که زنان مصاحبه‌شونده آن‌ها را بیان کرده‌اند.

در گزیده زیر، کارکردهای تسهیل‌گرایانه فضای مجازی بیان شده است:

گزیده (۱): عکس‌ها یا فیلم‌های پورن نگاه می‌کنم، تا [بتوانم] مدل‌های مختلف رابطه زناشویی [را] یاد بگیرم. [در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی] دنبال مطالب جدید می‌گردم تا

رابطه جنسی [با همسر] یکنواخت و تکراری نباشه که [از آن] زده بشیم. مطالب خیلی مفید بوده و استفاده کردم. [این مطالب باعث شدن] که همسر خوشش بیاد، من هم خودم به لذت جنسی برسم (یکتا، ۲۸ ساله).

افزایش آگاهی جنسی در فضای مجازی و کارکردهای بعدی مترتب بر آن، صرف نظر از ملاحظات ناظر بر انگاره شرم و حیاء، آن گونه که در جهان واقع وجود دارد، این گونه روایت شده است:

گزیده (۹): درباره رابطه زناشویی [از طریق] کانال تلگرامی چیزهایی رو فهمیدم که قبلاً نمی‌دونستم، چون عرف جامعه ما طوری ست [که] زنان نمی‌توانند راحت در این مسائل سؤال بپرسند، یا مشاوره برند؛ حجب و حیایی در ما ایرانیان است [که] اجازه سؤال پرسیدن در مورد رابطه را نمی‌ده و [در نتیجه، خانوما] روشن نمی‌شه برن مشاوره. [به همین خاطر] فضای مجازی و مطالبی که در این مورد هست [رو] را مطالعه می‌کنیم. [این مطالعه] باعث تنوع تو مدل رابطه زناشویی شده و [باعث] تنوع در لباس‌های زیر شده که قبلاً این‌طور نبود. انگار من و شوهرم با هم رشد کردیم. مطالبی که در مورد رابطه می‌خونم واسه همسر هم می‌فرستم، شاید اطلاع نداشته باشه مخصوصاً در [باره] اندام‌های تحریک‌پذیر زن یا [درباره] اینکه [نیازهای جنسی زنان کدام هستند. اتفاقاً همسر در رابطه زناشویی خیلی بهتر شده تا به نسبت قبل از [آشنایی با] فضای مجازی. این رضایت از رابطه زناشویی را مدیون کانال زناشویی هستیم؛ قبل از آشنایی با فضای مجازی رابطه جنسی برای من فقط جنبه لذت داشت، ولی با خواندن مطالب در مورد روابط زناشویی من با آگاهی به طرف لذت رابطه زناشویی می‌روم. (مازال، ۳۷ ساله).

همسری آنلاین

مضمون نهایی «همسری آنلاین» از سه مضمون اصلی «تدبیر آنلاین منزل»، «سوژگی رؤیت‌پذیر»، و «هم‌بودگی بیم، امید، بازاندیشی» تشکیل شده است.

وظایف و کارکردهای همسری، آن گونه که همواره با مراتبی از فراز و فرود در بستر تاریخی و فرهنگی برای زنان متصور بوده است، در مناسبات برخاسته از فاوا بازاندیشی‌ها و تغییرات متعددی را تجربه کرده است؛ مزید بر آن، متعین شدن فاوا خود نیز در تناسب با بازتولید جدید

صورت گرفته از مفهوم همسری صورت‌بندی زمینه‌ای خاص خود را حاصل کرده است. دیالکتیک «همسری - مصرف فاوا» منجر به تکوین پدیدار گشتالتی جدید، با خصوصیات اعم از جمع جبری ویژگی‌های هر کدام از آن دو شده است.

تدبیر آنالین منزل: مواجهه زنان خانه‌دار با فضای مجازی، منظم کردن امور خانه و تصرفات ناظر بر آن، همچنین تنظیم و ترتیب‌دهی اشیاء و چیدمان آن در منزل، در کنار تعریف و تعیین جایگاه‌ها و موقعیت‌ها، و سرانجام، نوع وظایف و حقوق اعضای خانه و تقسیم کار میان آن‌ها را در قیاس با صورت‌بندی پیشین آن دچار تغییرات اساسی کرده است. صورت‌بندی زوایای ذهنی و عینی امر منزل، منجر به بازتولید و تثبیت ضرورت تعامل زنان خانه‌دار با فضای مجازی گردیده است. مفاهیم و مقولات انضمامی‌تر، مشتمل بر توانایی‌ها، مهارت‌ها و آگاهی‌های معطوف به خانه‌داری، همچون سلامتی، بیماری زنان، آشپزی، آرایش و بدن‌آرایی، خیاطی، آموزش رقص، سفره‌آرایی، میوه‌آرایی، و دیگر موارد مشابه با آن‌ها از جمله مصادیق مطرح شده از سوی زنان مورد مطالعه در پژوهش بودند که فضای مجازی، و کنشگری زنان خانه‌دار در شبکه‌های اجتماعی، امکان پرداختن به آن‌ها را در ارزان‌ترین و سریع‌ترین وجه ممکن، فراهم کرده است. گشایش‌های فوق، همزمان، باعث ایجاد تنوع، مثلاً در خوراک و پوشاک، و کاهش هزینه‌ها در برخی امور، و افزایش هزینه‌ها در برخی امور دیگر شده است.

گزیده (۱۰): در اینستاگرام نکات ریز خیاطی و نقاشی و آرایشی را یاد گرفتم که قبلاً کلاس می‌رفتم [ولی اونا رو] را آموزش نمی‌دادند. آموزش رایگان داره اینستاگرام، و نیاز به هزینه کردن نیست؛ مثلاً دوره ضخیم‌دوزی [که] سه میلیون هزینه داره رو در تلگرام با ۱۰ تومان آموزش می‌دن. وقتی [رو] که [یابد] برای رفت‌وآمد به کلاس [صرف] می‌کردم، در منزل صرف آموزش مجازی خیاطی کردم (مارال، ۳۷ ساله).

بهره‌گیری موازی از انواع آموزش‌ها، از گشایش‌های حاصل از فاواست که با به چالش کشیدن مفهوم سنتی زمان و مکان، به‌نوعی امکان از جاکنندگی در زمان و مکان را فراهم آورده است.

گزیده (۱۱): آموزش آنالین خیاطی یا بیشتر کارهای هنری مثل تریکوبافی دوره‌ش [رو] تو اینستاگرام دیدم و [برای اینکه] تو خونه بیکار نباشم سبد درست می‌کنم. در کنارش هم بهم آرامش می‌ده. از آشپزی لذت می‌برم واسه همین خیلی تو اینستاگرام دنبال می‌کنم [بلکه]

مادم [درست کردن] غذاهای جدید [رو] یاد بگیرم. بیشتر غذاهای تایلندی و ایتالیایی دوس دارم، شورمه هست ادویه زیاد استفاده می‌کنن. کلاس آرایشگری بیرون می‌رفتم، اصلاً نمی‌گفت که فلان رنگ به بعضی موها نمیداد، هیچی یاد نگرفتم، ولی تو اینستاگرام همه نکات [رو] می‌گه. حتی شیر خشک بچم [رو] به کمک شبکه‌های اجتماعی پیدا کردم (لاله، ۴۳ ساله).

انتخاب وجوه مختلف سبک زندگی، مشتمل بر خوراک و پوشاک، با عطف نظر پیشینی به متغیرهای نظارت دیگران، و پذیرش اجتماعی از دیگر زمینه‌های برخاسته از فاواست که شمول رضایت را، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های همسری، و در تقابل با مفهوم سنتی آن، از حصر شوهر خارج کرده، و تلقی و پنداشت‌های «دیگران ناظر» را به‌مثابه عناصر مؤثر در نوع انتخاب و گزینش برمی‌شمارد.

گزیه (۱۲): الان راحت‌تر لباس‌هام [رو] انتخاب می‌کنم [جوری که] شکلی‌تر و برازنده‌تر باشم. بیشتر به خاطر این از این شبکه‌ها استفاده می‌کنم که ببینم بیرون از خونه چه خبر هست؛ مثلاً به لباس یا برندی مد می‌شه می‌خوام بدونم نظر مردم راجع به این برند چیه چه دیدگاهی دارند. یا غذا بخوام درست کنم می‌رم تو این پیج‌های آشپزی ببینم که با مواد غذایی که دارم چی می‌تونم درست کنم؛ [واسه] به غذا ده نوع مدل پختنش [رو] میاره. چیزهای جدید، چه در زمینه آشپزی، مد یا رشته حقوق خیلی یاد گرفتم (معصومه، ۴۳ ساله).

سوژگی رؤیت‌پذیر: امروزه شبکه‌های اجتماعی، زمینه مناسب در راستای کنشگری‌های زنانه، و رؤیت‌پذیری بیش از پیش زیست‌جهان زن‌محور را، در مقایسه با گذشته نه‌چندان دور، فراهم آورده‌اند. مراتب گسترده‌ای از اشتراک‌گذاری توانمندی‌ها، دل‌نوشته‌ها، آفرینش‌های هنری، شعر، و امثال آن به وسیله زنان خانه‌دار، در کنار بازنمایی اوقات فراغت، تصویرپردازی زن موفق و انگاره پیشرفت از سوی کاربران شبکه‌های مجازی، مدلول امکان عاملیت اخلاقی حداکثری زنان، قطع نظر از نظارت‌های اجتماعی سابق و دیگر بازدارنده‌های عرفی و قانونی موجود در عالم واقع است. به‌بیان دیگر، زنان خانه‌دار توانسته‌اند ذیل ممکنات حاصل از مناسبات مجازی سویه‌های مغفول و حاشیه‌ای‌شده زنانگی خود را در حوزه عمومی برساخت کنند و با خروج نسبی از سایه‌بان عرف و سنت، معانی بازانديشانه و متمایز از مفهوم مادری، همسری، و اصولاً،

مفهوم زنانگی را بازتولید و تثبیت کنند. کسب مراتب گسترده‌ای از استقلال مالی و بازاندیشی‌های مترتب بر آن، در قالب تشکیل اجتماعات مجازی، به اشتراک‌گذاری تجربیات مادری، همسری، و همچنین، عرضه توانمندی‌های مندرج در حوزه تبلیغات، بازاریابی و امثال آن، مصداق آشکار گذار از وابستگی مالی و بدیهی‌پنداری صورت‌بندی مسلط، به‌مثابه وجه اساسی مفهوم کلاسیک همسری و مادری، به خودبسنده‌گی مالی و بازتائیدگی مستدام، به‌عنوان شئون محوری همسری در مفهوم امروزی آن قلمداد می‌گردد.

گزیده (۱۳): فضای مجازی چیزی هست که آدم شناخت پیدا می‌کند نسبت به چیزهایی که قبلاً ندیده [بودی] یا شناختی روش نداشتی مثل همین حقوق زن در خانه. [فضای مجازی] باعث شده شناخت بیشتری نسبت بهش داشته باشم [و] همین شناخت باعث شده راحت‌تر و مصمم‌تر حرف بزنم. همین شناخت باعث غرور می‌شه که [بتونم] با تسلط بهتر [راجع به اون] صحبت کنم، مستقل حرف [بزنم] یا تصمیم بگیرم و شخصیت وابسته [به همسرم] نباشم. (آزاده ۳۵ ساله).

گزیده (۱۴): زن خانه‌داری هستم که تو فضای مجازی کسب درآمد می‌کنم. پنج سال [است] که درآمد من از کانال‌های تلگرامی است؛ کار تبلیغات انجام می‌دم تو کانال‌های مختلف بنرهای شرکتی، لوازم خانگی یا آرایشی و هر نوع تبلیغ مجاز از ساعت ده صبح تا دوازده تبلیغ می‌گذاریم عصر هم پول واریز می‌کنند. از وقتی که تلگرام وارد زندگی من شده باعث شده که کمک‌خرج خانواده باشم. همین درآمد مجازی زندگی مشترک من که به جدایی داشت کشیده می‌شد را نجات داد (زهره، ۴۶ ساله).

هم‌بودگی بیم، امید و بازاندیشی در زیست مجازی: امتزاج فاوا با وجوه متکثر انسان امروز به‌گونه‌ای است که مجموع متغیرها و مناسبات را در قالب کنش‌گر-شبکه صورت‌بندی کرده است. درهم‌آمیختگی فوق، با زایل ساختن آن‌بودگی فناوری، و این‌بودگی انسان، بدن‌مندی همزمان فناوری و انسان مدرن را رقم زده است، و همزمان، به‌دنبال زدودن دوگانه‌های مسلط در اندیشه مدرن، انواع گشایش‌ها، مضیقه‌ها، بازاندیشی‌ها، گزینش‌ها، بازگشت‌ها و انقطاع‌ها را برای وی ممکن کرده است. فناوری‌های نوین ارتباطی، از یک‌سو، کنشگران اجتماعی را در جستجوی ساده‌ترین مطالب، صرف‌نظر از کمترین پرسشگری و اشتیاق به کشف، به خود وابسته، و

رهنمون ساخته‌اند، و از دیگر سوی، زمینه لازم در جهت کارگزاری حداکثری در مقام بازاندیشی و نقادی هر امر یا باور، پنداره و سبک متصور را در حداکثر وجه ممکن دسترس‌پذیر کرده‌اند. زنان خانه‌دار، به‌ویژه به اعتبار فراغت نسبی بیشتر، نوع تأملات، تردیدها، بایدها و نبایدهای ناظر بر کنش‌های روزمره در قلمروهای گوناگون، نظیر زناشویی، همسری و مادری را بر شبکه‌های اجتماعی عرضه داشته، و بازخوردهای لازم را در این باره دریافت می‌کنند. تنوع و کثرت دریافت‌ها و برون‌دادهای برخاسته از شبکه‌های اجتماعی، زنان خانه‌دار را در موقعیت بیم و امید قرار می‌دهد، و آرامش حاکم بر زیست‌جهان سنت را به طوفان و التهاب بی‌پایان مسلط بر جامعه پسامدرن، اطلاعاتی، و به‌شدت شبکه‌ای شده امروز بدل می‌نماید؛ او در این کشاکش، رایحه‌های مؤثری از گفتمان‌های سنت‌محور و آموزه‌ها و کردارهای مندرج در آن را دریافت، و بازاندیشانه در مقام مواجهه با آن قرار می‌گیرد، بنابراین به‌ناچار، در سیال‌ترین وجه ممکن به انتخاب و گزینش‌گری دست می‌زند، و زنانگی خود را حسب موقعیت‌های گوناگون بازاندیشانه بازتعریف می‌کند. آنان شبکه‌های اجتماعی را به‌مثابه ارمغان‌آور «نیش و نوش»، «خوب‌آموزی-بدآموزی»، «مشاخره-مصالحه»، «تردید و یقین»، و «استقلال و اسارت»، و «عشق و نفرت» زیست و تجربه می‌کنند. به‌بیان انضمامی‌تر، پروفایل‌گذاری، به‌طور همزمان، موجد نگرانی زنان خانه‌دار از مورد قضاوت قرار گرفتن مسائل شخصی و خصوصی آن‌ها به‌وسیله دیگران و نیز هراس از انواع مختلف سوءاستفاده از تصاویر و محتوا از یک‌سو، و موجب ارتقای عاملیت در مناسبات مجازی، جذب دنبال‌کنندگان بیشتر، و دیگر موارد مشابه با آن از سوی دیگر می‌شود.

گزیده (۱۵): از وقتی که فضای مجازی وارد زندگی من شده از یک لحاظ خوب بوده از یک لحاظ بد بوده. [از جمله] موازیدی که بد بوده این که آدم عادت می‌کنه بهش؛ مدام سعی می‌کنه چک کنه ببین چه خبره، [به نظر می‌رسه آدم] بیشتر دغدغه‌مند شده. از لحاظ خوبی‌هاش، [یکی] اینه که می‌تونم تو این شرایط کرونا خریدها را آنلاین انجام بدم، وقتی کتاب ندارم، هر مطلبی رو بخوام سریع سرچ می‌کنم، اطلاعاتم [رو] به دست میارم؛ فضای مجازی [رو] بهش عادت کردم؛ مدام باید از خونه و زندگی سرت تو گوشی باشه و هزینه خرید بسته‌های اینترنتی، خرید گوشی خیلی سنگین شده (مریم، ۳۵ ساله).

گزیده (۱۶): فناوری ارتباطی هم جنبه مثبت داره هم [جنبه] منفی. یکی این که زمان خیلی ازم می‌گیره اگه مدیریت نشه از لحاظ اخلاقی هم تأثیر داره چون بعضی‌ها تو اینستاگرام الگو می‌شن. انگار اگر نباشد بخشی از زندگی [رو] از دست می‌دیم، جا می‌مونیم این که فضای مجازی نداشته باشیم همین بار روانی‌ش خودش سخت [هست]. مثلاً می‌گم واتساپ ندارم؛ من خبر ندارم؛ تلگرام فلان خبر [رو] نشنیدم؛ راحت این طوری بی‌اطلاع می‌شم (مهربانو، ۴۷ ساله).

گزیده (۱۷): خوبی که این شبکه‌های اجتماعی با خود آورده این است که ما قبلاً وقت زیادی واسه صحبت کردن داشتیم و آخرش هم ممکن بود دعوا کنیم؛ ولی الان [که] هر کس مشغول گوشی هست، این قدر فرصت صحبت کردن نداریم که آخرش هم به دعوا کشیده بشه؛ به نظرم خویه این طوری [باشه]. الانم وقتی سرمون تو گوشی هست حرفامون [رو] می‌زنیم، ولی دیگه به بحث کشیده نمی‌شه (مونا، ۵۶ ساله).

مادری نرم‌افزارانه عاطفت‌کیش

مضمون نهایی «مادری نرم‌افزارانه عاطفت‌کیش» حاصل برساخت انتزاعی‌تر مضامین اصلی «حکمرانی مادری آنلاین، احتضار مادری مألوف»، «مادر معلمی امدادگرانه»، و «مادری هراسناک» شده است.

در طول تاریخ، معنای مادری همواره قرین با عطوفت و محبت و بوده است؛ با وجود این، نوع بازنمایی و نمود احساسات مادرانه برساخته‌هایی هستند که ذیل زمینه‌های خاص فرهنگی و اجتماعی تجلی و بروز پیدا کرده‌اند؛ نمود امروزیین وجه مهرورزانه مادری در پیوند ناگسستنی با فاوا خوانش می‌شود که طی نوعی دگردیسی، از نمود پیشین خود فاصله گرفته است، و به صورت امروزیین، در پیوند با فناوری زمانمند و مکانمند می‌گردد.

حکمرانی مادری آنلاین، احتضار مادری مألوف: نقش مادری در معنای تاریخی و فرهنگی رایج آن واجد مؤلفه‌ها و الزامات مشخصی است که در غالب موارد ذیل فرایندهای جامعه‌پذیری، به صورت نسلی بازتولید شده است. با وجود این، صنعتی شدن جوامع و تکوین امر مدرن صورت‌بندی مفهوم مادری را به وجه گسترده‌ای دچار تغییر و دگردیسی کرد. اوج

تغییرات عارض بر مفهوم و نقش مادری متعاقب شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و گسترش فاوا و بسط شبکه‌های اجتماعی در مدرنیته متأخر محقق گردیده است. سست شدن پیوندهای خویشاوندی و عاطفی، مادران را در مقام ایفای نقش مادری و تربیتی به استخدام حداکثری مضامین مندرج در شبکه‌های اجتماعی، و راهنمایی‌ها و مشاوره‌های موجود در این‌باره سوق داده است. نویسندگان مقاله مجموع تحولات مندرج در نقش مادری را ذیل عنوان مادری آنلاین، و در تقابل با مادری مألوف تجمیع، و بر ساخت کرده‌اند. مادری آنلاین متضمن مرجعیت آموزش ناظر بر تربیت، تغذیه، بهداشت و امثال آن با عطف نظر به شبکه‌های اجتماعی، و تجربیات به اشتراک گذاشته شده از سوی دیگر کاربران و دوستان مجازی است. مزید بر آن گستره فراوان مطالب متعارض و منقح‌ناشده موجود در شبکه‌های اجتماعی، حیرانی، تردید، سردرگمی، و در عین حال، گزینش‌گری متأملانه را به‌مثابه وجوه خاص مفهوم مادری آنلاین رقم زده است.

گزینه (۱۸): مادر دهه هفتادی هستم نمی‌تونم چطور با این اژدهای دهه نود رفتار کنم برای همین مجبورم از این کانال‌ها استفاده کنم. هر چه بهش می‌گم برو بیرون انگار با یه موجود خیالی یا فرضی دارم حرف می‌زنم. در این کانال مخالف تنبیه بدنی بچه هستند؛ اگر تنبیه کنیم جانی و جنایتکار هستیم؛ ولی من مادرم؛ [می‌دونم] بعضی وقت‌ها لازم [است] تنبیه کنم. با این مطالب کانال‌های تربیتی گیج شده‌ام؛ حتی از استاد دانشکده پرسیدم برای تربیت بچه‌های دهه نودی جواب درستی نداد، فقط کتاب معرفی کرد.

مادر معلمی امدادگرانه: وجه گسترده‌ای از مضمون اخیر به‌شدت برساخته شرایط کرونایی حاکم بر کشور و محوریت تام آموزش غیرحضوری دانش‌آموزان است. با وجود این، مادر معلمی که در کنار وظایف مادری، وظیفه معلمی را در خانه برای فرزندش ایفا می‌کند. امروزه با توجه به مدخلیت یافتن فاوا به ویژه شبکه‌های اجتماعی و در دسترس بودن گوشی‌های هوشمند سهولت افزایش آگاهی در زمینه آموزش‌های درسی و غیردرسی را امکان‌پذیر کرده است. مضمون مادر معلمی، با یادآوری وجه امدادگرانه آن ناظر بر وضعیتی است که ذیل آن اضمحلال مرز سنتی میان «مادری» و «معلمی» موقعیتی آغشته به دو عنصر فرصت و تهدید و مشحون از ترس و امید را بر

زنان خانه‌دار مورد مطالعه در این پژوهش پدیدار ساخته است. کنش‌های احصاء شده ذیل موقعیت اخیر مشتمل بر مواردی همچون پیگیری مداوم تکالیف درسی، حضور همزمان مادر و فرزند در کلاس غیرحضور، مساعدت‌های مادرانه متعارض با اقتضای آموزش و یادگیری با هدف نمره‌آوری و امتیازخواهی بیشتر برای فرزند و دیگر موارد مشابه با آن هستند.

گزیده (۱۹): از وقتی که بیماری کرونا آومده خیلی از وقتم صرف آموزش آنلاین بچه‌ها شده طوری که شدم دانش‌آموز و بچه‌هام فقط ببینده شدند. دخترم می‌گه مامان بیا امتحان داری انگار مامان‌ها امتحان دارن، نه بچه‌ها. درس بچه‌ها خیلی از وقت منو گرفته؛ طوری که به کارهای خونه زیاد نمی‌رسم (ساجده، ۳۷ ساله).

مادری هراسناک: مواجهه مادران و فرزندان با محتوای شبکه‌های مجازی به صورت همزمان محقق می‌گردد. در حال حاضر، مزید بر مادران، وسائل نوین ارتباطی نظیر گوشی‌های هوشمند و تبلت و امثال آن، به‌مثابه اسباب‌بازی در اختیار فرزندان نیز قرار گرفته است. گوشی، تبلت، با عطف نظر بر انواع محتواهای متنی، بصری و شنیداری موجود در آن‌ها مانند اسباب‌بازی در اختیار فرزندان نیز قرار گرفته است. صورت‌بندی وضعیت موجود در حوزه دسترسی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌گونه‌ای است که انگاره «هراس» و «تشویش» را به‌ویژه برای مادران بازتولید و تعمیق کرده است، و مادران را به تجربه وضعیتی رهنمون ساخته است که نویسندگان مقاله، با عطف نظر به مضامین موجود در مصاحبه‌ها، از آن با عنوان «مضيقه اقناع» یاد می‌کنند. مادران متعامل با شبکه‌های اجتماعی، با آگاهی از تفاوت، و بلکه تعارض موجود میان واقعیت زندگی، و ایماژهای بازنمایی شده در فضای مجازی، خود را در مواجهه با فرزندان نوجوان، غالباً ناتوان از «اقناع» دریافته‌اند. انسداد گفت‌وگو و گسست حداکثری میان مادران هراسناک و فرزندان، در نبود فهم مشترک، در حکم انضمامی‌ترین و آشکارترین پیامد حاصل از توده‌ای شدن مصرف رسانه‌ای بود که زنان مصاحبه‌شونده در این پژوهش به‌شیوه‌های گوناگون، و با تعابیر متفاوت بیان کرده‌اند.

گزیده (۲۰): یک بار تولد دخترم [رو] تو اینستاگرام نداشتم، [دخترم] نارحت شد گفت باید بناری؛ واسه مهم نیستم که تولدم تبریک نگفتی مامان دوستام تولد دخترانش می‌ذارن الان

اونا فکر می‌کنند تو منو دوست نداری. فضای مجازی باعث شده بچه‌ها سرتق و پررو شوند؛ باعث شده احترام به بزرگ‌ترها کم بشه. فضای مجازی باعث فاصله انداختن بین والدین و فرزندان شده. فضای مجازی پرروشون کرده چون هر چه بخوان تو گوگل سرچ می‌کنند. از همون بچگی چشم و گوششون باز می‌شه (لعیا، ۴۵ ساله).

بحث و نتیجه‌گیری

بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی خصلت همه‌جایی پیدا کرده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی نه تنها میزان آگاهی عمومی افراد را افزایش می‌دهند؛ بلکه با شکل‌دهی به ساختارهای جدید در حوزه خانواده و رقم زدن مسائل جدید در آن، مسائل از پیش موجود را نیز شکل و صورت تازه‌ای می‌بخشند. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید علاوه بر متأثر ساختن زندگی اجتماعی انسان، خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌اند. در این مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی از جهت ایفای سهم مؤثر در ارتباط‌آفرینی میان جامعه مدرن و زنان خانه‌دار به‌روشنی به‌تصویر کشیده شد. گردهم‌آوری زنان خانه‌دار، قطع نظر از عنصر مکان و زمان، از کارکردهای بی‌همتای شبکه‌های اجتماعی مجازی است که دوگانه کلاسیک «کار-خانه‌داری» را سخت به چالش کشیده است و فرصت‌های جدید را از این منظر در اختیار زنان خانه‌دار قرار داده است. تهدیدها و فرصت‌های برخاسته از مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی که منجر به برساخت انگاره ترس، امید، و بازاندیشی در زنان خانه‌دار گردیده است، ذیل تعابیر گوناگون از سوی آگاهی‌دهندگان پژوهش بیان شده است. مجموع یافته‌های میدانی پژوهش حاضر، مؤید کاهش انتساب انحصاری نقش خانه‌داری به زنان، در کنار تغییر، توسعه، و بازتعریف نقش‌های جنسیتی مادری، همسری و زناشویی از سوی آنان بوده است.

تعارض منافع

در این مطالعه هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری

کلیه بانوان محترم مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها، به‌ویژه ذیل شرایط سخت کرونایی حاکم بر کشور در مقطع انجام پژوهش، شایسته احترام و سپاسگزاری هستند. بدین‌وسیله، از همه آن بزرگواران تشکر و قدردانی می‌گردد.



منابع

- احمدی، حبیب، دل‌آور، مریم‌سادات و بهمنی، لیلا (۱۳۹۱)، تأثیر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر هویت اجتماعی جوانان؛ مطالعه موردی شهر شیراز. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر*، ۲(۲۱)، ۱۵-۳۳
- اخوان‌ملایری، فائزه، نوغانی، محسن و مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی و شادکامی. *رسانه و فرهنگ*، ۲، ۱-۲۴
- بروجردی علوی، مهدخت و شمسی، آزاده (۱۳۹۴). نقش ماهواره در تغییر تصور ذهنی جوانان تهرانی از ازدواج. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)*. ۶(۱۹)، ۲۶۳-۲۸۷
- بهار، مهری، و بیژنی، محمدجواد (۱۳۹۸). رسانه‌های اجتماعی و هویت جهانی، مطالعه پلتفرم اینستاگرام. *مجله جهانی رسانه*، ۲(۲۸)، ۵۳-۷۶
- بهشتی، سید صمد، حیدری، آرمان و مدبرنژاد، عاطفه (۱۴۰۰). مدل‌سازی تأثیر رسانه‌ها بر انتظارات نقش جنسیتی مورد مطالعه: افراد ۱۵ سال به بالای شهر یاسوج. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۲)، ۷۳-۹۸.
- پولادی، کمال (۱۳۸۲). عصر اطلاعات و پیدایش جامعه شبکه‌ای. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۳۸-۴۷
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۸). رابطه رسانه‌ای شدن زندگی روزمره و سلامت خانواده. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱۸، ۱۶۷-۲۰۲
- جلالی‌پور، حمیدرضا و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۹۱). گرایش زنان به آموزه‌های گفتمان روشنفکری؛ مورد مطالعه: زنان ۱۸-۴۰ سال شهر شیراز. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۲۸، ۱۱-۳۴.
- جوانی، وجیهه، آقاجانی فرشته و عالمی، مینا (۱۴۰۱). تأثیر رسانه‌ها بر کلیشه‌های جنسیتی در ورزش زنان. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۴(۱)، ۵۷-۷۲.
- خانزاده، عباسعلی، ولی‌نژاد فومنی، زهرا، و خداکرمی، فائزه (۱۳۹۸). کیفیت زندگی، عملکرد خانواده و سبک زندگی زنان متأهل کاربر و غیرکاربر شبکه‌های اجتماعی. *علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۷۳)، ۳۹-۴۳.
- دارابی، مسعود و کلاشلو، حسن (۱۳۹۵). مطالعه تأثیر شبکه‌های اجتماعی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده؛ مورد مطالعه: جوانان شهر تهران. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*،

۱۵(۳۳)، ۱-۴۲.

- دل‌آور، مریم‌سادات و احمدی، حبیب (۱۳۹۱). رابطه استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر میزان ارتباط با جنس مخالف. *علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱-۲۴.
- رحیمی، محمد، شکریبگی، عالیه، ساروخانی، باقر، و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۸(۸)، ۱۴۵-۱۶۹.
- روشه، گی (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- رهبر مهرپو، بهناز، رشیدی، احتشام، و دانایی، ابوالفضل (۱۴۰۱). مدل‌سازی تأثیر رسانه‌های اجتماعی در بازنمایی هویت ایرانی - اسلامی زنان. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱(۳۱)، ۱۰۹-۱۴۱.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- زارع، زهرا، دشتیان، سوده، زارع، شیوا (۱۳۹۹). تغییر نگرش نسبت به تابوی قاعدگی از جوامع بدوی تا عصر رسانه (مطالعه مروری سیستماتیک). *خانواده و سلامت جنسی*، ۱(۲)، ۳۹-۵۰.
- زندیه، زهره، خانیکی، هادی، وکیا، علی اصغر (۱۳۹۸). طراحی و ارزیابی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان‌فرهنگی قومی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های تهران). *مجله جهانی رسانه*، ۱۴(۲)، ۱۰۵-۱۷۷.
- ظهیری، صمد (۱۳۹۷). جامعه شبکه‌ای و تروریسم مجازی. *فصلنامه سیاست*، ۴۸(۲)، ۴۱۳-۴۳۱.
- عبادالهی نوراله، چشمه سهرابی مظفر، نوشین فرد فاطمه (۱۳۹۳). *تحلیل عوامل فناورانه مؤثر بر پذیرش فناوری بر اساس نظریه اشاعه نوآوری راجرز*: مورد پژوهشی نرم‌افزار نمایه نشریات. *دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)*، ۲۶(۷)، ۷۹-۹۱.
- عطاران، بردیا، و برزویی، محمدرضا (۱۳۹۷). *هویت‌شناسی رسانه‌های جدید ارتباطی و تأثیر آن بر آموزش مفاهیم دینی در چارچوب ایده رسانه‌های سرد و گرم مک‌لوهان*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیر گذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی، ۶۱-۸۵.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*. تهران: آگرا: لویه.

- کنعانی، محمد امین، حمیدی فر، مهدی، و قربانی، ابوذر (۱۳۹۶). بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر هویت جنسیتی مادران و دختران: مطالعه‌ای در شهر رشت. *توسعه اجتماعی*، ۱۱(۳)، ۹۷-۱۲۸.
- لادری، ژان (۱۳۸۰). *رویارویی علم و تکنولوژی با فرهنگ‌ها*. ترجمه پروانه سپرده. تهران: مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- محمدی، جمال، خالق پناه، کمال، و غلامی، الهه (۱۳۹۵). تجربه مصرف شبکه‌های اجتماعی؛ مورد مطالعه: شبکه اجتماعی بی‌تاک. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴(۳۶)، ۵۹-۸۸.
- محمودی، یسری، محدثی گیلوایی، حسن، و تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی دلایل و پیامدهای جراحی‌های زیبایی زنان و مردان ساکن شهر تهران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰(۷۷)، ۱۳۹-۱۶۷.
- مددیپور، محمد (۱۳۸۳). جامعه شبکه‌ای از نگاه دو متفکر معاصر: مانوئل کاستلز و کوین کلی. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۲۶-۴۱.
- Davis, F. (1989). Perceived ease of use and user acceptance of information technology. *MIS Quarterly*, 13(3), 319-339.
- Gaia, A. C. (2013). The role of gender stereotypes in the social acceptability of the expression of intimacy. *The Social Science Journal*, 50, 591-602.
- Goffman, Erving (1979). *Gender Advertisements*. London: Red Globe Press
- Lindsey, Linda (2014). *Gender Roles: Sociological Perspectives*. London: Routledge.
- Lull, James (1980). The Social Uses of Television. *Human Communication Research*, 6(3), 197-209. Doi:10.1111/j.1468-2958.1980.tb00140. x.
- Rogers, E.M. (1995). *The Diffusion of Innovations*. 4th Edition. New York. NY. Free Press
- Vankatesh, V., Morris, M., Davis, G. Davis, F (2003). User acceptance of computer technology: A comparison of two theoretical models. *Management Science*, 35(8), 982-1003.